

باغ‌های چهارگانه، ترجمان باورهای مقدس

نمونه موردی فین

سیما منصوری

کلیدواژگان: باغ ایرانی، گوهرهای چهارگانه، منزل، مشارکت، تشریک، صناعات گوهرهای چهارگانه.

چکیده

باغ‌های ایرانی گاه با ساختار چهاربخشی شکل گرفته‌اند و رمزهایی از حکمت و عرفان ایرانی و اسلامی در خود نهفته دارند. در بازگفت این اندیشه کوشیده‌ایم رمزهای باغ‌های چهارگانه بر پایه باور مقدس را بگشاییم. درک این رمزها با آگاهی از دانش حکمت در حوزه دریافت‌هایی از معانی چهار گوهر بنیادین ماده (خاک، آب، باد و آتش) و صنعتی است که از این چهار گوهر در باغ‌سازی ایرانی پدید آمده و با جهان‌بینی مشارکت در اندیشه ایرانی پیوندهایی ژرف برقرار ساخته است و راز تقدس آن را می‌توان در مانایی‌اش جست‌وجو کرد.

از دریافت‌های این بازنمود اندیشه می‌توان چند مهم برشمرد: تشریک گوهر خاک با چهارباغ به زایش و رویش برکت و منزل گرفتن چهارباغ در مکان‌های مشخصی از باغ منجر می‌شود. تشریک گوهر آب با چهارنهر موجب یافتن سامانه و تعیین بخش قدر (اندازه) در آن و منزل گرفتن آب به شکل چشمه، نهر، حوض،

فواره و آب‌نما شده است. افزون بر این، تشریک گوهر باد با چهاردیوار به شکل گیری حصارها و دریافت‌های عمیق شهودی از عرفان ایرانی و اسلامی در حوزه باغ‌سازی ایرانی انجامیده که راه‌گشای کشف رمزهای نهفته در درون این پدیده ماناست. در نهایت، تشریک گوهر آتش با چهارطاق یا کوشک در باغ، موجب پیدایش مکانی برای یافتن دریافت‌هایی از منازل‌گاه‌های چهارگانه (چهارفصل و تقسیمات چهارگانه روز) است.

به هر روی، این گوهرها در درون انسان با هنبازی خود موجب پیدایش مزاجها و طبایع و اخلاط شده‌اند که تعادل روح و جسم وابسته به آنهاست. در باغ ایرانی نیز این گوهرهای چهارگانه «منزل» می‌گیرند و به‌دست انسان ایرانی تقدیس می‌شوند. بدین‌سان از مهم‌ترین دلایل پیدایش ساحت لطیف و روحانی باغ ایرانی، حضور تعادل‌بخش گوهرها و صناعات حاصل از گوهرهای چهارگانه است.

مقدمه

در این نوشتار کوشش برآن است خویشکاری‌های باغ‌های ایرانی، به‌ویژه باغ‌های چهارگانه را، که تاکنون کاویده و شناسانده نشده‌اند،

۱. چهارباغ، چهارنهر، چهاردیوار، چهارطاق، باغ‌های چهارفصل.

پرسش‌های تحقیق

۱. خویشکاری‌های باغ‌های چهارگانه ایرانی چیست؟
۲. چه رابطه‌ای بین ساحت لطیف باغ ایرانی با خویشکاری‌های چهارگانه آن وجود دارد؟
۳. آیا چهارگانه‌ها سبب تقدس باغ ایرانی شده‌اند یا ساحت لطیف باغ ایرانی ما را به انتظام چهارگانه‌ها در باغ می‌رساند؟

۲. نک: فریدون جنیدی، نگرشی بر زندگی دکتر فریدون جنیدی.
۳. نک: مهرداد بهار، پژوهشی در اساطیر ایران.
۴. دونالد ویلبر، باغ‌های ایران و کوشک‌های آن، ص ۲۳۶-۲۳۴.
5. бага
۶. یسنا ۵۱، بند ۱؛ بارتولومه، ستون ۹۵۲.
7. bag
۸. (پروشانی، ۱۳۷۳، ۵۷۰)
۹. برخ‌بخش، قسمت، پاره و حصه، جزء، بهر: دهخدا ۱۳۷۲: ۵۳۵
۱۰. (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۶۶).
۱۱. آیات ۴۶ و ۶۲

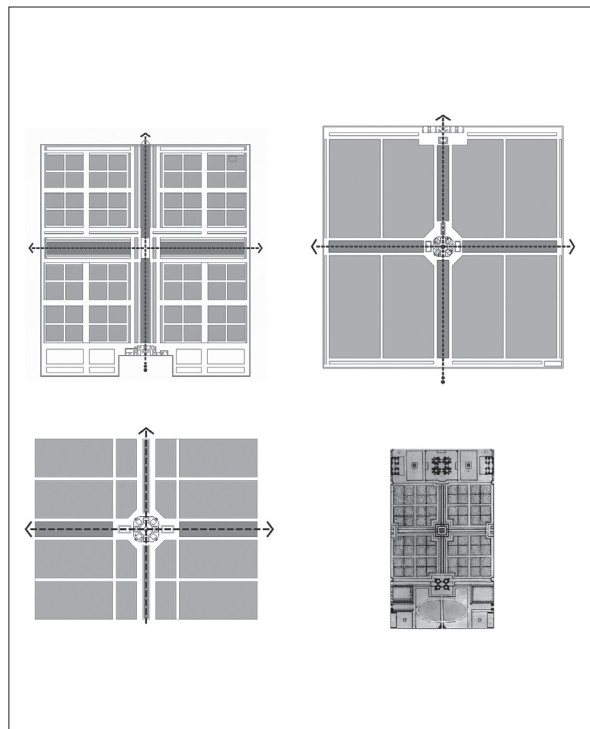
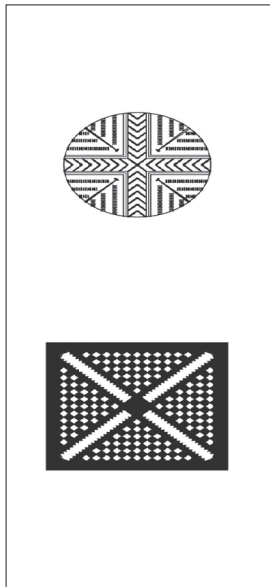
بازشناسانیم و دربارهٔ دریافت‌های وجودی این پدیده به تفسیر و تأویل بپردازیم. در آغاز سخن لازم است معنای راستین واژهٔ «خویشکاری» را به‌روشنی بازشناسیم: «خویشکاری در نوشتارهای کهن پهلوی، شاهنامه و سده‌های نخست پس از اسلام، به جای «وظیفه» آمده است.^۲ اما معنای راستین این واژه در این نوشتار به امری فراتر از آن اشاره دارد: «خویشکاری [کارکرد] دارای کنش‌های متعدد و متفاوت مادی و معنوی است.»^۳ در این جا خویشکاری به بررسی فلسفی و هستی‌شناختی باغ ایرانی بازمی‌گردد، آیین‌ها و باورهای مقدسی را که باغ ایرانی بر مبنای آن شکل گرفته است، توجیه می‌کند و بدان‌ها ارزش و تقدس می‌بخشد. بر این اساس، به روشنی شناختی از باغ ایرانی نموده می‌آید.

باغ فین یکی از برترین و روشن‌ترین نمونه‌های باغ‌سازی ایرانی است. ترجمان کلام مقدس (اوستا و قرآن) به زبان هندسه و نظم، ساختاری چهارگانه یافته است تا باغ ایرانی، مکان به نقش درآمدن باورهای مقدس باشد. ویلبر بر این باور است که:

[...] باغ فین بهترین نمونه از باغ‌های بزرگ و رسمی ایران است. این باغ از این جهت باید مورد توجه خاص قرار گیرد که نمونهٔ قابل تحسینی از باغ‌های سلطنتی ایران است. یعنی کلیهٔ مشخصات و جنبه‌های مختلف باغ‌های ایران در این باغ جمع شده‌اند.^۴

بدین‌سان کوشیده‌ایم دریافت‌های این باور مینوی را به یاری گواهی چون باغ فین به خوانندگان گران‌قدر بشناسانیم و آنچه از شناخت راستین باغ در پردهٔ پوشیدگی نهان مانده است، با اندیشه و باورهای ژرف مینوی برنگاریم تا دریافت‌های باغ‌های چهارگانهٔ ایرانی افق‌های وسیع‌تری از معناهای پیشین بر جان و روان خوانندگان راه برد.

خواننده باید از برخی کم‌وکاست‌ها و برخی آرایه‌های نابجا در این نوشتار چشم پوشد و همهٔ کمی‌ها و نادرخوری‌ها را بر نگارنده ببخشد. زیرا که هنوز از همهٔ خم‌ویچ‌های نوشتاری راستین برنگذشته و تنها آنچه را که در وجود خویش در قاموس باغ‌های چهارگانهٔ ایرانی ادراک کرده، به تحریر درآورده است.



خاک در باغ	رویش، زایش، برکت بخش، پوشانندگی، صفت جمالی و جلالی
تشریک خاک با چهار باغ	ایجاد نظم و هندسه، به قدر آوردن باغ، تعیین بخشی به بهشت
آب در باغ	عامل تطهیر و پاکی، شفابخش، تمرکزبخش، معرفت بخش، استحاله
تشریک آب با چهار نهر	ترجمان باورهای مقدس، کیمیاگری، به قدر آوردن باغ، تعادل بخش
باد در باغ	عامل به وجود آمدن فضای میانه، عامل پیدایش باغ‌های چهارفصل، شفابخش، فیض الهی، عامل زایش و باروری و حاصلخیزی (رحمت و برکت)، صفت جمالی، رستاخیز
تشریک باد با چهار دیوار	امنیت بخش، سلامت بخش، دوری از اهریمن و پلیدی
آتش در باغ	مقدس ترین گوهر، راهی برای ورود به جهان ملکوت، روشنی بخش، پاک کننده، حضور نور جمال الهی در نیت و جماد
تشریک آتش با چهار طاق	بازسازی رخدادهای کیهانی، مکان نیایش، تعیین بخش به زمان‌های چهارگانه، تجلی بخش مفهوم شب روشن و روز تاریک، تعیین بخش به منظر چهارگانه باغ

ت ۱. (راست، بالا) جدول خویشکاری‌های چهارگانه باغ ایرانی
 ت ۲. (راست، پایین) جدول رابطه بین خویشکاری‌های متأثر از چهارگانه در باغ فین
 ت ۳ تا ۶. (وسط) نقشه چند باغ معروف جهان ایرانی، به ترتیب از بالا به پایین و از راست به چپ: باغ جهان نما، شیراز؛ باغ گلشن، طیس؛ باغ مزار تاج محل، آگرا؛ باغ نظر، شیراز
 ت ۷. (چپ، بالا) طرحی از چهار باغ، مأخذ: نشان رازآمیز
 ت ۸. (چپ، پایین) طرحی از چهارنهر و چهارباغ

است.^۸ در نهایت، بغ به معنای بهره و برخ^۹ و بخش و بخت و نیز در مفهوم خداوند و سرور و بزرگ، از یک ریشه و از مصدر بگ به معنی بخشیدن است.^{۱۰}
 بر این اساس، مفهوم کلی واژه بغ، بغان، بگا به معنای بختار، بخشودن و بخشیدن است (تجلی بخشش حق بر گیتی). فیض اقدس، به صورت میوه و حضور فرشتگان و ذکر جاودان چهارگانه‌ها در باغ تجلی پیدا می‌کند. بخشش در نمونه گیتوی، یادآور واژه «رحمن» سرآغاز کلام مقدس قرآن است. تا جایی که می‌توان این فرضیه را نیز مطرح کرد که یکی از دلایلی که خداوند در قرآن کریم در سوره «الرحمن»^{۱۱} از باغ‌های چهارگانه (دو باغ برتر و دو باغ فروتر) سخن به میان می‌آورد، اشاره به رمز معنایی باغ دارد. در حقیقت، باغ با بخش کردن چهار قسمی خود «ت ۳- ۶» رحمت و برکت را متجلی می‌کند. بر این اساس

کیفیت‌های رمزی منتج از باغ ایرانی در رابطه با چهارگانه‌ها	
ترجمان باورهای مقدس به زبان معماری، تجلی اسما و صفات الهی، تعادل بخش، پدیدآوردن صناعات چهارگانه‌ای چون چهار نهر و چهارباغ و چهار دیوار و چهار طاق، بازسازی رخدادهای کیهانی، رویش، زایش، پوشانندگی، صفت جمالی و جلالی، تجلی بخش مفهوم اقلیم هشتم، شفابخش، مکان نزول فرشتگان، خاصیت آیینگی، باغ‌های چهارفصل، منزلگاه چهارگانه‌ها، برکت بخش، به قدر آوردن چهارگانه‌ها، نمایش قدرت و اقتدار، تعیین بخش به زمان‌های چهارگانه، تعیین بخش به منظر چهارگانه، نماد چرخ هستی، شادمانی	باغ فین ترجمان مقدس باورهای چهارگانه

توصیف خویشکاری‌های باغ‌های چهارگانه

تعریف باغ: باغ واژه‌ای است فارسی با معنای تکه، بخش، سهم، میراث که با واژه گاهانی باگا^۵ به معنای بخش، بهره، برخ^۶ و از ریشه باستانی بگ^۷ (بخش کردن) که مصدر بختن در فارسی میانه و بخشیدن در فارسی نو به معنی بخش کردن از آن آمده

دادبه نیز در مقاله «باغ ایرانی و حکمت مینوی» آورده است:

باغ ایرانی، بازسازی رخداد کیهانی و زایش دوباره جهان مینوی است؛ آفرینندگان و طراحان باغ در طول تاریخ با راه یافتن به اقلیم هشتم و یافتن حضور از دست رفته اولیه و انطباق با مرتبه وجود، اساس طرح خود را سامان داده‌اند. ... مبانی حکمی طراحی باغ ایرانی در کلیات و جزئیات یعنی چگونگی شکل‌گیری پلان و تقسیم‌بندی‌های آن بر اساس هنر مقدس و کاربرد چهارگانه‌های قدسی و عملکرد آن‌ها در باغ (صورت‌های متکثر اجزای آن و وجود ویژگی‌های مادی)، موجب فراموشی جسمیت می‌شوند ... و آدمی را با ساحت معنوی مرتبط می‌سازند.^{۱۳} بدین روی، خویشکاری بسیار مهم دیگری، از باغ‌های چهارگانه ایرانی، بُعد ملکوتی و مقدس آن است.

مفهوم مشارکت و باغ ایرانی

پانوسی بر این باور است از آنجاکه ... ایرانیان باستان جهان گیتی و نظام و سلسله مراتب اجتماعی و زمانی مربوط به جهان فرودین و مدینه دانیه را همچون بازتابی از جهان مینوی و نظم و ترتیب آسمانی و جاویدانی مربوط به جهان فرازین و مدینه فاضله، که در رأس آن اهورامزدا حکمفرماست، تلقی می‌کردند، بایسته است جهان‌بینی مذهبی آن دوره تاریخی ایران [را با ژرفای افزون‌تری بنگریم]. [پایه و اساس] «مشارکت» در جهان‌بینی مینوی و برین‌شناسی دیرینه ایرانی است که هم‌اکنون در قسمت‌های بازمانده از اوستای دیرینه در مشتقات برخی از افعال، به مانند^{۱۴} بیان شده، به چشم می‌خورد.^{۱۵}

این مفهوم هسته بنیادین و اصیل بسیاری از جهان‌بینی‌های مذهبی و فلسفی را در تاریخ تشکیل می‌دهد. مرادف‌های مفهوم مشارکت را در این جهان‌بینی‌ها در عباراتی مانند «برخورداری از...»، «بهره‌درگیری...»، «نیل از...»، «حصول»، «تحصیل و تخصیص»، «وقوع مثالی از... در...»، «استفاده و استفاضه از...»،



ت ۹۹. (چپ) باغ مزار شاه‌نعمت‌الله ولی
ت ۱۰۰. (بالا) چشمه سلیمانیه، باغ فین

«رحمانیت» و «رحیمیت» پایه و اساس درخت اسماء و صفات الهی در باغ ایرانی است.

بدین‌سان یکی از مهم‌ترین خویشکاری‌های باغ ایرانی، به‌ویژه باغ‌های چهارگانه، که برکت‌بخشی و بخشندگی است، در این جا پدیدار می‌شود.

اما کلارک در مورد تقدس باغ می‌نویسد:

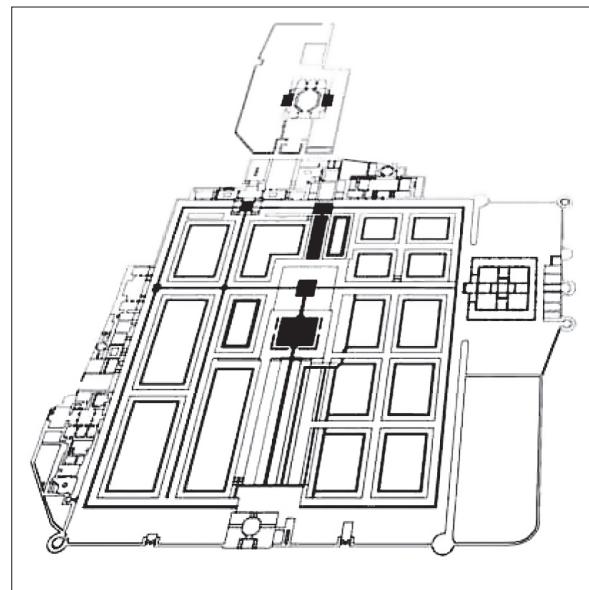
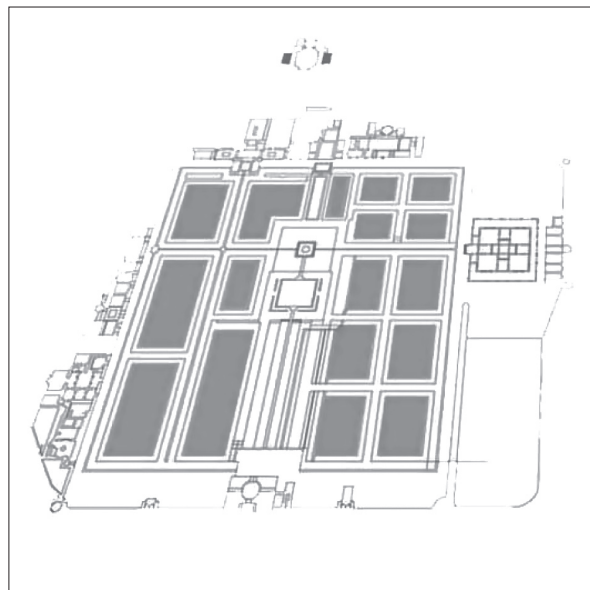
این باغ‌ها باید قبل از هر چیز، نوعی محراب باشد که در آن، هماهنگی‌های اطراف به روح امکان می‌دهد که خود را از شر اندیشه‌های منحرف‌کننده برهاند و به حالتی آرام و معنوی دست یابد. این باغ‌ها مبتنی بر تصور روحانی از جهان است و مانند هر هنر مقدسی، هدف آن نزدیک‌تر کردن «رؤیت‌کننده» به خداست.^{۱۲} «ت ۹»

۱۲. اما کلارک، «رؤیت بهشت، باغ‌های الحمراء»، مجموعه مقالات ارائه‌شده در اولین کنفرانس بین‌المللی.

۱۳. دادبه، آریاسپ. «باغ ایرانی و حکمت مینوی»، خلاصه مقالات نخستین همایش باغ ایرانی، ص ۷۹ - ۸۰.

14. 2. Vi- бага, Vid-, Vaed-, yes-

۱۵. الستفان پانوسی، گرایش‌های علمی و فرهنگی ایران از هخامنشیان تا پایان صفویه، ص ۴۸-۵۱.



ت ۱۱. (راست) منازل چهارنهر در
فین
ت ۱۲. (چپ) منازل چهار باغ در
فین

با صناعات حاصل از آن‌ها به معنای تجلی اسماء و صفات الهی است و از باوری مقدس در ایران زمین نشئت می‌گیرد و فراتراز دین بلکه به حوزه امر مقدس مرتبط می‌شود. بنابراین، سومین خویشکاری باغ‌های ایرانی و به‌ویژه باغ‌های چهارگانه مشارکت با اسماء و صفات الهی در حوزه عالم ملکوت است که در این‌جا به دلیل اهمیت پیوند موضوع «مشارکت» با «گوهرهای چهارگانه» به توصیف و تفسیر و تأویل خویشکاری‌های آن می‌پردازیم.

تشریک خاک با چهارباغ

خاک گوهری است جسیم که نشانی از مرکز و نیرو و توانی ثابت و کامل دارد و مایه آرامش و امنیت است. صفت جلالی خاک عاملی برای پوشانندگی است تا دانه را در حجاب و ظلمت درون خود بپوشاند. دانه‌ایی که در دل خاک قرار می‌گیرد با تشریک خاک و با آتش درون دانه (گیاه)، آتش اوروازیست که در اوستا^{۱۸} به آن اشاره شده است، تیرگی خاک را می‌شکافد و به سمت نور حرکت می‌کند. دانه به سمت نور آسمان‌ها رویش می‌کند و

«تجلی»، «کلی به صورت بهره در جزء»، «سهیم بودن و سهیم کردن»، «نصیب داشتن» و بسیاری دیگر و مقابلات این‌ها در زبانهای گوناگون بازمی‌یابیم... [در] فلسفه افلاطون [آمده] است که پیمانۀ همه چیز خداست و نه انسان؛ ولی خدایی که می‌گذارد انسان از وی بهر مند و برخوردار گردد.^{۱۶} در مشارکت، آنچه مورد نیل و اخذ است به صورت مطلق خود اعطا و بخشایش می‌شود؛ ولی بنا بر گنجایش پذیرایی مربوط به ظرف در یکایک آن به صورت‌های گوناگون تحقق می‌پذیرد.^{۱۷}

بر اساس تحقیقات پانوسی در اوستای دیرینه مفهوم مشارکت با «بگا»^{۱۸} یعنی با مفهوم بخ، بگ و باغ مرتبط شده است که می‌توان درباره آن به کاوش برخاست. باغ ایرانی مکان مشارکت با اسماء و صفات الهی در حوزه عالم ملکوت (مینوجهان) است که با مشارکت فرشتگان (ایزدان) رخ می‌نماید. جایی که رحمانیت حق، تجلی می‌یابد. واژه‌های اوستایی باریکا [برکت] و شریکا^{۱۹} [مشارکت یا تشریک] تجلی فیض حق است که با یک‌دیگر بیوندی معنایی یافته است. تشریک گوهرهای بنیادین

۱۶. الستفان پانوسی، گرایش‌های علمی و فرهنگی ایران از هخامنشیان تا پایان صفویه، ص ۴۷.

۱۷. همان، ص ۵۵.

18. 3. VÍ- baga

۱۹. نک: ابراهیم پورداوود، اوستا، الف، پشت‌ها.

۲۰. یسنای ۱۷، بند ۱۱.



ت ۱۳. (چپ) میدان چوگان
مقابل ورودی باغ فین، سفرنامه
ناصرخسرو.

ت ۱۴. (پایین) تصویر هوایی
از باغ فین، مأخذ: باغ ایرانی:
حکمت کهن، منظر جدید

از حمایت آتش درون گیاه منجر به «زایش» و «رویش» باغ می‌شود. تشریک خاک با دانه که به تشریک خاک با چهارباغ منجر می‌شود «ت ۷». برکت، نوزایی و باززایی دانه محصول این مشارکت است. در تشریک خاک با چهارباغ، میان‌داری هر چهار گوهر در رویش و زایش منازل باغ نقش مهمی دارند؛ به این سبب، میزان هنبازی و مشارکت گوهرهای چهارگانه در شکل‌گیری آن به یک میزان نیست. «ت ۱۱ و ۱۲»

رمز آیه «اللَّهُ النُّورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...»^{۲۱} پدیدار می‌شود. نور زمین (جمال الهی) به سمت نور آسمان (جلال الهی) حرکت می‌کند. در این میانه درخت (گیاه) در فضای اقلیم هشتم رشد می‌کند؛ پایی در خاک و سری بر آسمان. دانه با تشریک خاک رویش و برکت ایجاد می‌کند. میوه به وجود می‌آید و باغ را به ثمر می‌نشانند. بنابراین خاک به مثابه مظهر کُنزِ المخفی با برخورداری

۲۱. سوره نور، آیه ۳۵.

تشریک آب با چهارنهر

مبنای نگرش و تفکر بنیادی نژاد آریا، رودخانه‌ای است که از بهشت خارج شده و دنیا را به چهار قسمت تقسیم کرده است. این باور با سرآمد باورهای بنیادین مصنوعات و هنرهای سنتی، از جمله باغ ایرانی، مرتبط بوده است. بر این اساس، ایرانیان در دوره‌های متفاوت زمانی باغ‌های خود را به چهار قسمت تقسیم می‌کردند و در وسط این چهار قسمت، آب‌نما یا آبگیری قرار می‌دادند. از این آبگیر چهارجوی یا نهر روان بود که برای آبیاری از آن استفاده می‌شد. این ساختار به دلیل تقدسی که فراتر از دین و فرهنگ یک منطقه بود، در طول تاریخ کلیات خود را حفظ کرده و به قوت خود باقی است «ت ۸». در کتاب مقدس عهد عتیق، رودهای چهارگانه بهشتی را این‌گونه توصیف می‌کند:



ت ۱۵ تا ۱۷. (راست) هم‌نشینی
 منازل صناعات گوهر آب و خاک
 در باغ فین
 ت ۱۹ و ۱۸. (پایین) تصاویری از
 منازل آب در باغ فین



چون رسول خدا در شب معراج به سدره‌المنتهی رسید، در پای
 آن چهار نهر بود؛ دوتای آن آشکار و دوتای دیگر نهان. پیغمبر
 از جبرئیل پرسید که این نهرها چیست؟ گفت آن دو نهر نهان
 در بهشت است و آن دو نهر آشکار از انهار دنیاست که نیل و
 فرات نام دارد.^{۲۶}

بنا بر آنچه گفته شد، طرح مینوی باغ همواره شامل چهار
 نهر است. به سوی چهارگوشه جهان مینوی یا از آن‌ها به سوی
 میان روان است. اندازه‌گیری و تعیین ساحت لطیف باغ ایرانی
 به‌عهده گوهر آب است. تقدیر (به‌معنای اندازه‌گیری و تعیین حق
 هر شیئی)^{۲۷}، اعطای قدرت به اشیا^{۲۸} و تعیین اشیا بر وجه خاص^{۲۹}
 است. بدین‌سان گویی خویشکاری نکاح حاصل از گوهر آب با
 چهارنهر تعیین بخش ساحت لطیف باغ ایرانی و مقدرکننده سامانه
 باغ است «ت ۲۰». از دیگر خویشکاری‌های باغ ایرانی، خاصیت
 آیینگی آب در باغ است. جواهریان در این‌باره می‌نویسد:

... وجه مشترکی که بین باغ و معماری وجود دارد و بسیار مهم
 است، نقش آینه و انعکاس جهان پیرامون در این دو هنر است. در
 باغ، آبنمای عظیمی، که تصویر آسمان را در شب و روز منعکس
 می‌کند، عالم مثال و جهان دنیوی را به هم متصل می‌کند. در
 معماری نیز آینه‌کاری‌های ظریف و تکه‌تکه، بازتاب اسطوره

نهری از برای سیراب نمودن باغ از عدن بیرون می‌آمد و از
 آن‌جا منقسم شده چهار شعبه می‌شد. اسم اولین پیشون است که
 تمامی زمین حویلا را، که طلا در آن جاست، گردش می‌نمود...؛
 اسم نهر دوم گیحون است که به تمامی زمین گردش می‌کند و
 اسم نهر سوم حدقل است که به‌طرف شرقی اشور جاری است و
 نهر چهارم فرات است...^{۲۲}

آنچه در آیات قرآن به کرات به آن اشاره شده، نهرهایی
 است که از زیر درختان جاری است.

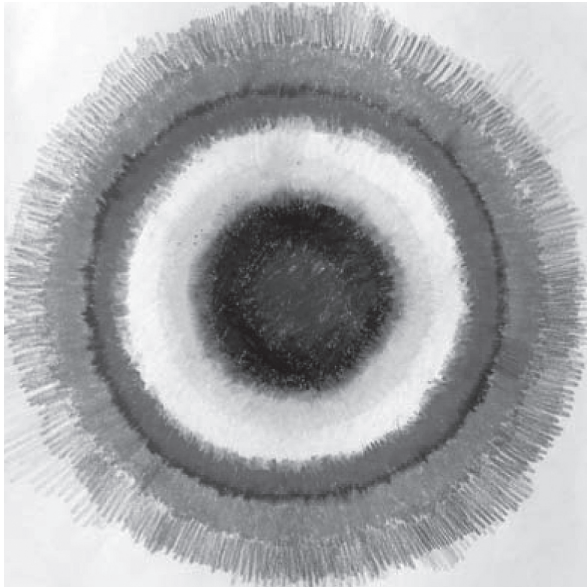
داستان بهشتی که به متقیان در دنیا وعده داده‌اند، این است که
 در آن باغ بهشت نهرهایی از آب زلال گواراست و نهرها از شیر
 بی آن‌که هرگز طعمش تغییر کند و نهرها از شراب (ناب) که
 نوشندگان را، به حد کمال، لذت بخشد و نهرها از عسل مصفی
 و تمام انواع میوه‌ها بر آنان مهیاست و (فوق همه) لذات مغفرت
 (و لطف).^{۳۳}

در آن دو بهشت، دو چشمه آب جاری است.^{۳۴}

در آن دو بهشت دیگر هم دو چشمه آب گوارا می‌جوشد.^{۳۵}

افزون بر آنچه گفته شد، در اکثر تفاسیر قرآن کریم به نقل از
 امام صادق (ع) آمده است که انهار چهارگانه از فردوس سرچشمه
 گرفته و بر روی زمین در کنار هم می‌گذرند بدون آن‌که مخلوط
 و ممزوج شوند. در حدیث صحیح آمده است:

۲۲. همدانی، گن، مرتن، ۱۳۸۰: ۴
 و ۵.
 ۲۳. سوره محمد، آیه ۱۵.
 ۲۴. سوره الرحمن، آیه ۵۰.
 ۲۵. سوره الرحمن، آیه ۶۶.
 ۲۶. ابن بطوطه، ۱۳۱۷: ۳۳.
 ۲۷. حسن بلخاری قهی، میانی
 عرفانی هنر و معماری اسلامی، دفتر
 اول و دوم، ص ۵۲۰.



ت ۲۰. (راست) باغ خسروآباد،
سنندج
ت ۲۱. (چپ) نمایش هاله‌های
نورانی در اندام‌شناسی انسان
نورانی، ترسیم نگارنده.

از آن آبراهه‌ها به سمت شمال شرقی حرکت می‌کند و آب را به گوشک مرکزی می‌رساند. پس از این که حوض پر شد، سرریز می‌گردد و آب وارد جوی‌های پیرامون می‌شود. آب فواره‌های وسط جوی‌ها در این قسمت، از همین حوض تأمین می‌شود. آب حوض به اضافه آب فوران‌شده از فواره‌ها در داخل جوی‌ها حرکت می‌کند و به سایر قسمت‌های باغ هدایت می‌شود. به‌طور کلی، آب‌های منزل‌گرفته در جای‌جای باغ، سه منبع اصلی دارد: حوض جوش، حوض شترگلوی شاه‌عباسی، و حوض شترگلوی فتحعلی‌شاهی «ت ۱۷ و ۱۸ و ۱۹».

تشریک باد با چهاردیوار

به‌راستی چرا دور باغ‌های ایرانی حصار و دیوار بلندی می‌ساختند (معمولاً هفت حصار)؛ و این کهن‌الگو محمل چه راز و رمزی از باور مردمان ایران زمین بود؟ آیا با طرح این چرایی می‌توان کلید یکی از رمزهای کیفیت باغ ایرانی را باز یافت؟ این‌ها پرسش‌هایی است که در این بخش، در کندوکاو نیل به پاسخ‌گویی آن‌ها

تکوین جهان هستی ایرانی است و برداشتی هزارتکه و مبهم از عالم مثال.^{۲۸}

بدین روی، آبی که از چشمه سلیمانیه وارد باغ فین می‌شود، در مکان‌هایی از باغ مانند استخرها، حوض‌ها، فواره‌ها و جوی‌های مستقر در آن منزل می‌گیرد. سپس به دو طریق از باغ خارج می‌شود: نهر زیرزمینی و پس از جمع شدن آب‌های جاری در سطح باغ، وارد محوطه‌ای در ضلع جنوب شرقی می‌شود و از این راه وارد آسیابی می‌گردد که در مجاورت باغ است و پس از چرخش سنگ آن به سایر آب‌های چشمه فین می‌پیوندد. خیابان‌های باغ فین عمود بر هم طراحی شده «ت ۱۵ و ۱۶» و در محل تلاقی خیابان‌ها، گوشک و حوض‌خانه‌ای ساخته شده است که در مقابلش استخر بزرگی قرار دارد. به عبارت دیگر، در مقابل هر عمارتی از باغ، آب‌نمایی به اشکال گوناگون شکل گرفته است. در شمال و جنوب شترگلوی معروف به شاه‌عباسی، استخرهای آینه‌گون منزل‌گرفته‌است. در انتهای نهر وسط، محوطه چشمه‌زنانه، مکانی است که آب دو راهه می‌شود. یکی

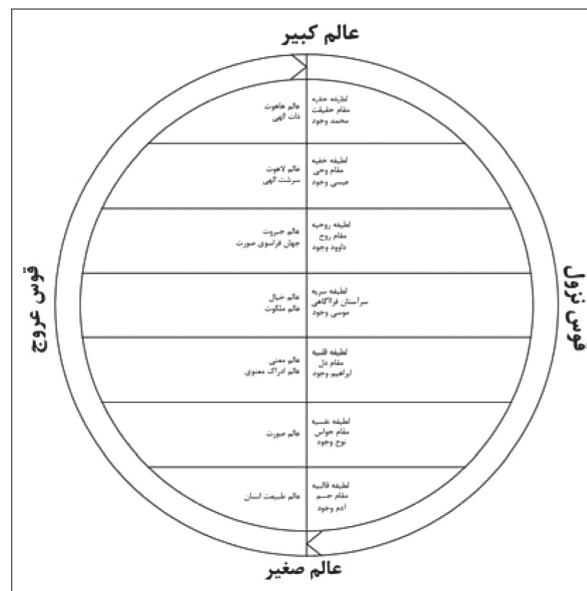
۲۸. سورهٔ مرسلات، آیهٔ ۲۳
۲۹. سورهٔ طلاق، آیهٔ ۳
۲۸. فریار جواهریان، کهن‌الگوی
گمشده، ص ۲۰.
۲۹. فردوسی در توصیف گنگ‌دژ
سیاوش اشاره می‌کند: «هفت دیوار
آن از زر و سیم و پولاد و برنج و
آهن و آبگینه و سنگ قیمتی و
برخی نیز شرح دیوارهای این کاخ و
کاخ کی کاووس را تأثیری از روایت
دیوار متحدالمرکز هگمتانه (اکیاتان)
می‌دانند» (نصرتی، ۱۳۸۳: ۱۲)

هستی در باغ مینوی وجود می‌شود که همچون چهاردیوار ضخیمی (مانند حصارهای هفت‌گانه باغ‌های ایرانی) است. به‌گونه‌ای که هیچ اهریمنی توان نزدیک شدن به آن را ندارد. این فروزه‌های نیک، تعادل بخش مقام مینوی باغ وجود است. انسانی که به مقام مشاهده باغ درون رسیده است، در درون خویش حصاری از هاله‌های نور می‌بیند «ت ۲۲» که گرداگرد او در حرکت‌اند و هر جا که باشد و به هر سوی که روی آورد، او را همراهی می‌کند. آن حصارها در باغ، این‌جا هاله‌های نور و روشنایی است که ظلمت و تیرگی را یارای نزدیکی به آن نیست و این در حالی است که فروزه‌های نیک به مدد باغ وجود می‌رسند. تعادل و آرامش، میوه‌های مینوی این باغ است که با درک مقام شهادت، باغ مینوی قابل رؤیت می‌شود.

غزالی در *احیاء علوم‌الدین* بارها به دژ روحانی اشاره می‌کند که باید از درهایش در برابر حملات شیطان محافظت کرد. به تدریج که در روشن‌ضمیر باورهای مینوی پایه می‌گیرد، درهای آن‌ها یکی پس از دیگری به روی او گشوده می‌شود. این مهم خود تأویلی برای درک امر تشریک گوهر باد با چهاردیوار (حصار) است.

نوری در *مقامات القلوب* می‌نویسد:

بدان که خدای تعالی در دل مؤمنان هفت دژ آفریده است با هفت دیوار و حصار و به مؤمنان امر کرده است که در داخل دژها باشند و شیطان را بیرون این هفت حصار جای داده است. دژ اول معرفت خداست که دیوارش از یاقوت است. محیط بر آن دژ دیگری است که ایمان به خداست و زرین است. محیط بر آن دژی است از نقره و آن اخلاص در گفتار و کردار است. محیط بر آن دژی است از آهن و آن رضا به قضای الهی است. محیط بر آن دژی است از مس و آن عمل کردن به فرایض خدای است. محیط بر آن دژی است از برنج و آن قیام به امر و نهی الهی است. محیط بر آن دژی است از سفال و آن ادب نفس است در هر عملی و مؤمن در داخل این دژهاست. درون دیوارها از یاقوت و



برآمده‌ایم. نمایش این کهن‌الگودر فرش‌های باغی ایرانی و نیز ارتباط آن با مراتب هفت‌گانه، نیازمند ژرف‌کاوی است. مراتبی چون: هفت پیامبر (از آدم تا خاتم) که راه به هفت پیامبر درونی می‌گشاید «ت ۲۲» و هفت گام نورانی و هفت عنصر فیزیولوژی و هفت قوه نباتی در بدن انسان^{۲۹} و اشارات شاعر حکیمی چون فردوسی به این موضوع که به صورت فرضیه در این باز نمود مطرح خواهد شد، بیانگر بنیادی مینوی است. کلید‌گشایش و دریافت این مهم آن است که باغ‌های حصارمند، در باور انسان ایرانی، مفهومی وجودی دارد. شکل‌گیری باغ‌های ایرانی درآمیخته با این باور مینوی است.

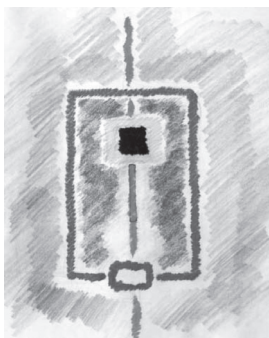
پرده‌افکنی تشریک باد درون با مقام‌های مینوی حصارهای باغ وجود

هنگامی که وجود انسان سرشار از فروزه‌های نیک و مقام‌های مینوی می‌شود و از بادهای هوس‌آلود و ناسالم تهی می‌گردد، شاهد باورهای نیک درونی، ارتعاش‌ها، امواج مقدس و زلال

ت ۲۱. (راست) مقام پیامبران درون و اندام‌شناسی انسان نورانی، مأخذ: حس وحدت



ت ۲۳. (بالا) تطبیق رنگ‌های مینوی هاله‌های درون با حصارهای باغ ایرانی، ترسیم نگارنده. ت ۲۴. (پایین) نمایش حصارهای مینوی باغ ایرانی، ترسیم نگارنده.



۳۰. ابوالحسین نوری، *مقامات القلوب*، ص ۸۱.
 ۳۱. مهرداد بهار، *بندهش*، ص ۹۶-۹۴.
 ۳۲. محمود رازجویان، *آسایش در پناه باد*، ص ۹.

۳۳. هانری کربن، ۱۳۷۸: ۱۸۱.
 ۳۵. بناغ‌ها با دیوارهایی، که ارتفاع آن‌ها متوسط و بلند است، محصورند. ارتفاع این دیوارها، با توجه به عواملی چون وضعیت اقلیمی (در ناحیه‌های کوبری، برای جلوگیری از نفوذ شن روان، دیوارها به نسبت بسیار بلند است) و جنبه‌های ایمنی، در هر محل متفاوت و معمولاً بین دو تا سه متر



ت ۲۵. تشریک آتش آسمانی با چهارطاقی نیاسر

شیطان به او تا وقتی که قیام به ادب نفس می‌کند، راهی ندارد و چون آن را خوار انگاشت و سبک شمرد و گفت واجب نیست، شیطان آن دژ سفالی را می‌گیرد و در دژ دیگر طمع می‌کند. زمانی که در امرونهی الهی تقصیر ورزید، شیطان دژ برنجین را از او می‌گیرد و در سومی طمع می‌کند. هرگاه در رضای به قضای الهی کوتاهی کرد، شیطان دژ مسین او را می‌گیرد و در چهارمی طمع می‌کند و...^{۳۰}

منازل حصارهای هفت‌گانه باغ ایرانی

بادی که از روان نیک برمی‌خیزد شادی و بوی خوش با خود به همراه دارد و به گفته بهار «... [باد به هر چیزی گذرد آن گوهر را آورد]»^{۳۱} (صفت جمالی باد به شکل‌گیری کیفیت رمزگونه چهاردیوار (حصار) باغ منجر می‌شود تا امنیت خاطر و سلامت را، که در حقیقت بخشی از صفات جمالی باغ است، پدیدار کند).

آنچه از این موضوع ناگفته مانده است، رموز و چرایی این کیفیت است. نکاح حاصل از گوهر باد با اخلاط چهارگانه باغ همچون (چهاردیوار) است که معنایی بنیادین و رمزگون را دربرمی‌گیرد و تنها به مقام مشاهده قابل رؤیت است. بادی که از منزلگاه باغ برمی‌خیزد، رحمت است و موجب «آرامش، سلامت و برکت» است. این مفهوم «حوزه تلطیف»^{۳۲} است و این فیض اقدس است که از تشریک گوهر باد به‌مثابه یکی از آخیش‌های مقدس با چهاردیوار به‌وجود می‌آید. بنابراین حصارها نمادی از تعالی روح در رسیدن به قرب الهی است. هریک از این حصارها در باغ، که با رنگ خاصی نمایش داده می‌شود، نشان‌دهنده انسان نورانی یا اندام نورانی انسان درونی هر شخصی است. در این رنگینه‌ها و نورهای رنگی خود را شستن و در هر مرحله بخشی از وجود خود را دیدن و آشکار شدن مرحله‌ای است از دست‌یابی به حقیقت. هر شخص، زمانی می‌تواند رنگ‌های بیرونی را به دیده ادراک دریابد که به مشاهده انسان نورانی درون خویش رسیده باشد. این رنگ‌ها در آینه نور درونی به

مقام مشاهده می‌رسد. مرکز این حصارها، یا همان باغ درونی دل، که نمایش بیرونی آن اندیشه و حتی کهن‌الگوی سبز باغ ایرانی است، تجلی معنای رمزی رسیدن به بالاترین رده تعالی روح در سیر روحانی آن است.

هانری کربن نیز ضمن اشاره به چنین نکته‌ای عقیده دارد: «آن‌گاه که به مشاهده نور سبز نایل آیی، آرامشی در دل و شرح صدری در سینه و شادابی در باطن و لذتی در روح و بینایی در چشم احساس خواهی کرد و همه این‌ها صفات حیات‌اند که سالک در مسیر سلوک خویش به‌دست می‌آورد.»^{۳۳}

نکته‌ای که در فرجام این بخش از سخن می‌توان به آن اشاره کرد، آن است که افزون بر این که باغ‌های ایرانی در منطقه فوق تلطیف قرار دارند، حصارهای اطراف باغ‌ها، اعم از دیوارهای زرینی که در چهار طرف اصلی واقع شده^{۳۴} و حصار درختان سوزنی‌برگ و بوته‌ها و گل‌ها^{۳۵} و نهرهای روان تا حصار هفتم، هر یک در ایجاد تلطیف هرچه بیشتر مکان باغ تأثیر بسزایی دارند «ت ۲۸». بادی که در داخل باغ به جریان می‌افتد، بادی است که از روی آبی که به نظم و تقدس نهرهای روان در زیر پای درختان درآمده و به نظم هندسه چهارنهر نشسته است، می‌گذرد. این باد، که از فرشتگان سبز همیشه مانای سرو باغ می‌گذرد و بوی این فرشتگان بهشتی را به سمت چهارطاق، محل حضور عنصر آتش (نور)، می‌برد، پیام باد رحمت را از جنوب باغ، که همان باد شمال ملکوتی است، به مکان حضور نور می‌رساند. بنابراین، گوهر باد عامل زایش و باروری گیاهان و گل‌های باغ، حاصل‌خیزی گوهر خاک، به جریان آمدن گوهر آب و گردش فصل در زادبوم بسته باغ ایرانی و ایجاد باغ‌های چهارفصل و گردش و تلطیف هواست. به‌علاوه، عامل به وجود آمدن فضای مثالی است که ساحتی از تعلق و بشارت‌دهنده حضور برکت و فیض الهی در باغ ایرانی است. اگر مسافران باغ ایرانی به «قصه زیارت و نه به هوس سیاحت»^{۳۶} در باغ وجود، حضوری همیشگی یابند، ایزد باد را هم‌نشین فرشتگان

ت ۲۶. (راست) کوشک هشت بهشت اصفهان، منازل زمان‌های چهارگانه
ت ۲۷. (چپ) نگاهی از پنجره‌ای چهارگانه به باغ فین



از روشن‌ترین و مهم‌ترین پدیده‌های طبیعی بود که کمابیش همه انسان‌ها و جوامع باستان آن را به‌طور دقیق مورد توجه و ملاحظه قرار می‌دادند. [در تمدن‌های کهن] ایزد خورشید در بسیاری از هنرها و از جمله در معماری بازتاب یافته بود و در این سرزمین‌ها، معابد، بناها و عرصه‌های گوناگونی به تقدیس و بزرگداشت آن اختصاص می‌دادند. یکی از کارکردهای مهم این گونه [مکان‌ها گاه] کارکرد نجومی آنها بود؛ زیر رویدادهای نجومی و کیهانی برای بسیاری از مردم باستان جنبه‌های آیینی، مقدس و حیاتی داشت و غالباً به کمک آنها به تعیین نسبتاً دقیق زمان گردش سال می‌پرداختند و زمان‌های گوناگون، از جمله زمان اعتدال بهاری و اعتدال پاییزی و همچنین زمان انقلاب تابستانی و انقلاب زمستانی را نسبتاً دقیق محاسبه می‌کردند (ت ۲۵ و ۲۶ و برای این منظور [گاه مکان‌ها را] به‌گونه‌ای می‌ساختند که از امتداد نقطه یا زاویه‌ای معین بتوانند خورشید را در روزهای مورد نظر رصد و مشاهده کنند.^{۳۸}

بدین‌سان گویی زمان‌های مقدس در چهارطاق‌های ویژه‌ای، که گاه در باغ‌ها یا باغ‌شهرهای بسیار مقدس قرار داشتند، منزل می‌گرفتند تا تعیین‌کننده زمان ناسوتی باشند و، با نوروز کردن زمان، به حیات سپنجی جنبه‌ای مینوی ببخشند.

(گل‌های) باغ شاهد خواهند بود که شفافبخش روح زائران باغ وجود است، آن هنگام که فرشته باد در این منزلگاه در صور اسرافیلی خویش می‌دمد تا رستاخیزی برای جان زائران باغ و هدایتگر آنان به منزلگاه باغ ملکوت باشد. به این ترتیب، معمار ایرانی مفاهیم بلندپایه عرفانی این سرزمین را به صورت رمز در عالم خلق به یادگار گذاشته است. این پایان عالمی به رنگ سبز است که همان برجسته‌ترین صفت درونی باغ ایرانی است. اوج بالندگی روحانی عارف در دل، در زمینه سبز، بالاترین مقام روح که همان بستر باغ است به تجلی درمی‌آید «ت ۲۳ و ۲۴».

تشریک آتش با چهارطاق

آتش... آتشکده... چهارطاقی... کوشک در باغ چارطاق، با ارکان چهارگانه خود، یادآور چهار عنصر و چهار جهت، چهار باد، چهار فصل و چهار رنگ است. چارطاق جنبه‌هایی از زندگانی دنیوی را به عالم تخیل عرضه میکند که بنیادیند و ظاهراً، استوارترین جنبه‌های این حیات سپنجی.^{۳۷}

نظم مربوط به گردش زمین و ماه و چگونگی طلوع و غروب خورشید، پیدایش زمان‌های چهارگانه روز و حرکت ستارگان بود. توالی شب و روز و پیدایش فصل‌های گوناگون (چهار فصل) و تجدید حیات گیاهان پس از فصل زمستان و فرارسیدن سال نو

است. مصالح به‌کاررفته نیز بیشتر چینه و خشت و آجر است. دیوارها از بیرون با هزاره و کتیبه و گاه با طاق‌نما زینت و از درون در جاهایی با داربست مو و گیاهان رونده و گل‌دار و گاه با طاق‌نماهای تزئینی پوشانیده شده‌اند. در برخی باغ‌ها گفته می‌شود بر فراز دیوارها نیز گل می‌کاشته‌اند (سکوبیل‌وست، ۱۳۳۶).

۳۶. در سفرنامه ناصرخسرو آمده است که دور باغ‌ها را با بوته‌های گل سرخ و با شاخ و برگ و نی محصور می‌کردند و شاخه‌های درخت انگور را بر آن می‌انداختند (قبادیانی مروزی، ۱۳۶۳).

۳۷. (دادبه، ۱۳۸۴)

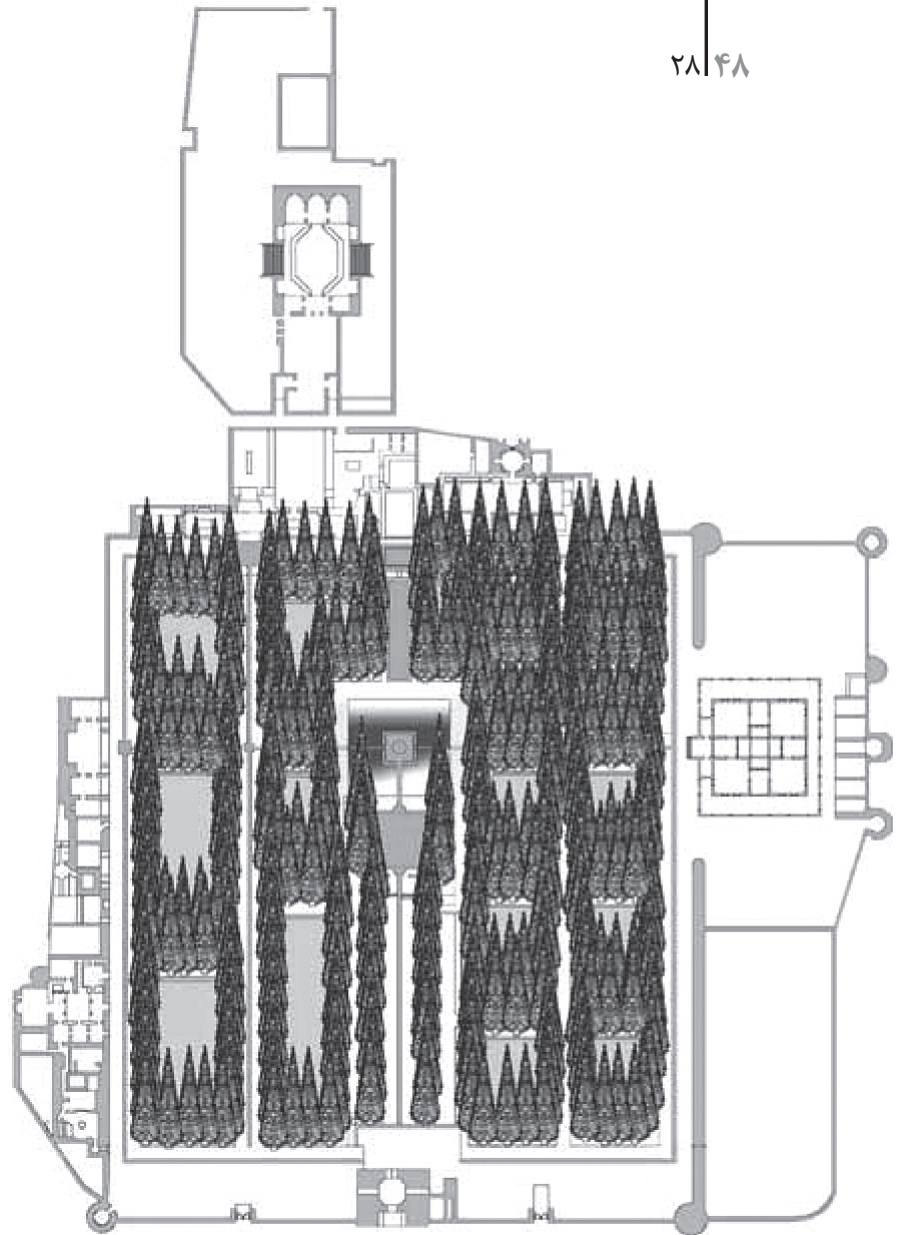
۳۷. نادر اردلان و لاله بختیار، حس وحدت (سنت عرفانی در معماری ایرانی)، ص ۷۵.

۳۸. حسین سلطان‌زاده، «معماری و نجوم»، فصل‌نامه معماری و فرهنگ، ص ۲۱۱-۲۱۱.

با چهار غرفه در چهار گوشواره عمارت است. فضای چهارصفه بر جلوه‌های چهار سوی باغ گشوده است. گنبدخانه مرکزی آن، که بر فرازش گنبدی بر چهارطاقی استوار گشته^{۳۹}... همچنین این بناها بیش از هر چیز مکان نظاره بوده‌اند.^{۴۰}؛ نظاره به منظر مکان یا نظاره به گاه‌های مقدس.

تفسیر و تأویل باغ‌های چهارگانه (بر اساس باغ فین)

از آنچه نوشته آمد، چندی از خویشکاری‌های باغ‌های چهارگانه پدیدار شد. حال، در زمینه دریافت‌های حصولی و حضوری این بازنمود، به اندیشه می‌پردازیم. داستان غربت و اسارت ما با چهار مانع و چهار قید و از چهار طرف، داستان انسان غریب‌افتاده در بند مربع عالم مادی است «ت ۲۷». این موضوع شباهت معنایی زیادی با سفرهای زائرانه ما به پردیس‌های ایرانی دارد. در این سفرهای زائرانه، گویی لحظه‌ای، اگرچه چهار قید و چهار مانع از هر چهار طرف بر زائر حصری ساخته‌اند، در این حصارها و قیود و موانع چهارگانه، عالمی مثالین به نام پردیس ایرانی شکل گرفته است که همان خاطره ازلی غربت و اسارت در دام صیادان تقدیر و سرنوشت تور مشیت ازلی را نمایان می‌کند. این‌جا اگر همه آن قیود چهارگانه در داستان اسارت انسان^{۴۱} هر لحظه ما را از سرزمینی که در آن بودیم، دور کرده است، در این پردیس‌ها همان قیود برای یادآوری خاطرات ازلی ما می‌کوشند. در این سفر مثالی، زائران باغ ایرانی با رمز آشنا می‌شوند. هنگامی که از علایق دنیوی رسته و به خلوصی که ناشی از رهایی از بندهاست رسیده باشند، قادر به مشاهده عالم حقیقی ملکوت می‌شوند. زائران آرام پیش می‌روند و مفهوم کوه قاف را در حصارهای بلند و متعدد این پردیس‌ها را، در حالی که این حصارها را در هاله‌ای از نورهای رنگین تجربه می‌کنند (هفت حصار رنگین) در نظر می‌آورند.



بدین‌سان منزلگاه آتش، در باغ فین، بنای دواشکوبه‌ای است که سازمان فضایی آن، حاصل هم‌جواری چهارصفه‌ای در میان،

ت. ۲۸. منازل چهارگانه و نمایش حصارها در باغ فین

بنشینند و به منظر پردیس‌های ایرانی بنگرد. در این مکان، جهت معنا می‌یابد؛ زیرا این زائران خورشید درونی خویش را یافته‌اند. زائرانی که تنها به قصد لذت‌های حسی و مشاهده صوری و شنیدن آوای پرندگان و نشستن و آرامیدن در گوشه‌های دنج به این مکان روی آورده‌اند و اکنون آنچه را دیگران توان، دیدن و درکش را ندارند، می‌بینند؛ و آن «زیارت باغ است نه سیاحت در باغ». در این جا، آوای پرندگان برای این زائران، که به شهود نیایش چهار عنصر و ترکیبات آن رسیده‌اند، شنیدن آواز پر جبرئیل است. این جا می‌شنوند، نه صدای آب را، بلکه نیایش ناله‌گون آب را؛ و می‌بینند قیام فرشتگان سبز سروهای همیشه‌مانا را.

کتاب‌نامه

- پوردادود، ابراهیم (مترجم و مفسر). *اوستا، الف، یشت‌ها* (فارسی-اوستایی)، جلد اول، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
- اردلان، نادر و لاله بختیار، *حس وحدت (سنت عرفانی در معماری ایرانی)*، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان: نشر خاک، ۱۳۸۰.
- امامیان، ناصر و فوزانی، غلامرضا. «کوشک مرکزی باغ تاریخی فین»، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم-کرمان، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴.
- بارالت، لوس لوپس. «قدیسه ترز و شرق: تمثیل هفت‌دژ روح، راز و رمز هنر دینی»، مقالات ارائه‌شده در اولین کنفرانس بین‌المللی هنر دینی، تهران: سروش، ۱۳۷۴.
- براتی، ناصر. «باغ و باغ‌سازی در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی»، فصل‌نامه باغ نظر، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۳.
- بلخاری قهی، حسن. مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، دفتر اول و دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، سورمه مهر، ۱۳۸۴.
- بهار، مهرداد. بندهش، چاپ دوم، تهران: توس، ۱۳۸۰.
- _____ پژوهشی در اساطیر ایران، چاپ دوم، تهران: نشر آگه، ۱۳۷۶.
- پانوسی، استفان. گرایش‌های علمی و فرهنگی ایران از هخامنشیان تا پایان صفویه، تهران: نشر بلخ، ۱۳۸۳.

شیب ملایم به سمت کوشک و حرکت نهر روان در محور تقارن آن، مسیر حرکت را به سمت قطب روشن تر می‌کند. هنگام رسیدن به زیر چهارطاق نمادین، زائران همچون سالکانی هستند که به روح انسانی خود معرفت یافته‌اند. درک نور با سایه‌روشن و تالاولو آن بر آب در زیر طاقی که فضا را به لطیف‌ترین محسوس رسانده است، دوچندان می‌شود. در فضای درون کوشک، آنجا که می‌توان گوهر شب‌افروزی را در عالم خاکی یافت، از روز تاریک به درک شب روشن نایل خواهند آمد. در این مسیر، زائر به شهود و حضور درخت طوبی و نمایش درختان مانا و همیشه سبز راست‌قامت در این پردیس‌ها می‌رسد. آن‌جا که توجه دل به شهود و قیام در نماز نزدیک می‌شود. این مانادرختان ابدی، که نظم و حضور به ترتیب آن‌ها یادآور آیه یک سوره صافات است، همچون فرشتگان صف کشیده‌ای است که به نظم و ترتیب در حال یادآوری و ادای ذکرند. این فرشتگان سبز ذکرگو، که شاهدان حقیقی باغ ملکوتی‌اند و همچون واسطه‌ای حضور درخت و نقش آن و جایگاه آن را در شکل‌گیری نظام چهارگانه‌های عالم هستی آشکار می‌کنند تا جهت، مکان و انسان درون این پردیس‌ها را از عالم ناسوت به عالم ملکوت هدایت کنند و حقیقت «دوازده نگارستان»^{۴۲} را در پردیس‌های چهارفصل به نقش کشانند. بدین سان، زائر باغ به حقیقت مشاهده در سفر مثالی خویش می‌رسد. حقیقتی که تنها با درک ظلمات و برخاستن از بند تیرگی‌های وجود به مشاهده می‌آید.

آبی کم‌عمق تنها به حضوری آینه‌گون اکتفا کرده است و در چهار محور و چهار مسیر از میان آب می‌گذرد تا به کوشک دسترسی یابد. در امتداد این مسیر، زائر، پس از رسیدن به انتهای راه، دروازه‌ای می‌یابد که آغاز راه است. رسیدن به این مرحله در دیده سالک دریچه‌ای می‌گشاید از بی‌نهایت. قابی چهارگوش که به عالم مثالین و فراسوی خود اشاره دارد و بیانی شیوا از بی‌نهایت است. اگرچه راه به آخر رسیده، شروعی برای سالک است که حال، با دیده نور، خویشتن خود را به نظاره

۳۹. نوروز برازجانی، ویدا و محمدرضا جوادی. «باغ شاه (فین کاشان)»، مجموعه مقالات باغ ایرانی: حکمت کهن، منظر جدید، ص ۷۷. ۴۰. نسرین فقیه، «چهارباغ، مثال ازلی باغ‌های بزرگ تمدن اسلامی»، مجموعه مقالات باغ ایرانی: حکمت کهن، منظر جدید، ص ۱۳۶.

۴۱. نک: سهروردی، عقل سرخ

۴۲. نک: سهروردی، عقل سرخ

- جنیدی، فریدون. نگرشی بر زندگی دکتر فریدون جنیدی، تهران: نشر بلخ، ۱۳۸۵.
- جواهریان، فریار. *کهن‌الگوی گمشده*، تهران: موزه هنرهای معاصر و مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی، ۱۳۸۳.
- دادبه، آریاسپ. «باغ ایرانی و حکمت مینوی»، خلاصه مقالات نخستین همایش باغ ایرانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۳.
- رازجویان، محمود. آسایش در پناه باد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
- سکویل‌وست، ویکتوریا. *باغ‌های ایرانی*، ترجمه احمد بیرشک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶.
- سلطان‌زاده، حسین. «معماری و نجوم»، فصل‌نامه معماری و فرهنگ، شماره ۲۱، سال ششم، ۱۳۸۴.
- فقیه، نسربین. «چهارباغ، مثال ازلی باغ‌های بزرگ تمدن اسلامی»، مجموعه مقالات باغ ایرانی: حکمت کهن، منظر جدید، تهران: موزه هنرهای معاصر / مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی، ۱۳۸۳.
- کربن، هانری. *انسان نورانی در تصوف ایرانی*، ترجمه فرامرز جواهری‌نیا، چاپ دوم، تهران: آموزگار خرد، ۱۳۸۳.
- کلارک، اما. «رؤیت بهشت، باغ‌های الحمراء»، مجموعه مقالات ارائه شده در اولین کنفرانس بین‌المللی هنر دینی، تهران: سروش، ۱۳۷۸.
- لغت‌نامه دهخدا (کتاب‌خانه الکترونیک).
- مدرس صادقی، جعفرخج. *قصه‌های شیخ اشراق*، چاپ پنجم، تهران: مرکز، ۱۳۸۴.
- مکارم شیرازی [مترجم]. *قرآن کریم*، چاپ سوم، تهران: دارالقران الکریم، ۱۳۷۶.
- مفید، حسین. [به کوشش]. *عقل سرخ*، شیخ شهاب‌الدین یحیی سهروردی، چاپ دوم، تهران: مولی، ۱۳۷۸.
- نصرتی، مسعود (بی‌تا). «باغ در شاهنامه فردوسی»، نشریه موزه‌ها، شماره ۴۱، ویژه‌نامه همایش باغ ایرانی.
- نوروز برازجانی، ویدا و محمدرضا جوادی. «باغ شاه (فین کاشان)»، مجموعه مقالات باغ ایرانی: حکمت کهن، منظر جدید، تهران: موزه هنرهای معاصر / مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی، ۱۳۸۳.
- ورجواند، پرویز. *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، ۱۳۷۳.